



درس اول کنش‌های ما

کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند؛

مثال برای فعالیت سایر مخلوقات هر ذره که هست، اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها در آسمان حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، قلب می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

مثال برای کنش‌های انسان ما پیاده‌روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، مسواک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، نقاشی می‌کشیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز اسم‌های مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل به کار می‌رود.

تعریف کنش و کنشگر

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهندهٔ آن «کنشگر» می‌گویند.

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدام‌اند؟ **کنش انسانی با اراده و آگاهی همراه است اما کنش موجودات دیگر همراه با اراده و آگاهی نیست**

• وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟ **ویژگی های کنش را نام ببرید**

1 کنش، آگاهانه است؛ یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

بخوانیم و بدانیم

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند و از آن با خبرند؟ **خیر** در حکایت زیر تأمل کنید:

روزی شخص بزرگی که از آشنایان سقراط بود با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط! می‌دانی درباره یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟

– سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای درنگ کن! آیا کاملاً مطمئن آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

– نه فقط شنیده‌ام.

– سقراط گفت: پس واقعاً نمی‌دانی خبر درست است یا نادرست! آیا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟

– نه برعکس!

– پس می‌خواهی خبر بدهی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالا بگو ببینم آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سودمند است؟

فرد پاسخ داد: نه واقعاً...!

– سقراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه سودمند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

• حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دوراهی قرار گرفته باشید؛ مثل اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دوراهی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟ **2 کنش، ارادی است.** کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

آیا برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده ی انسان نیز ضروری است؟

قرار گرفتن بر سر دو راهی، یکی از ویژگی های کنش را نشان می دهد. آن ویژگی، ... ارادی ... بودن کنش است. شهریور 99

فردی که از خطر می گریزد کنشی انجام نداده؛ زیرا عمل او از روی اضطرار است. خرداد 99

کنش ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما در هر حال، ارادی اند. حتی فردی که از خطر می گریزد، با اراده خود این کنش را انجام می دهد؛ او می تواند بماند، با خطر روبه رو شود یا ...

آیا فعالیت هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می شوند؟ چرا؟ **خیر - زیرا با آگاهی و اراده انجام نمی گیرد** دی 98 شهریور 99

• فردی از میان جمع برمی خیزد و پنجره اتاق را باز می کند. اگر از او پرسید چرا این کار را کردی، چه می گوید؟

3 کنش، هدف دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان های مختلف از انجام کنش هایشان، هدف های یکسانی دارند؟ **خیر**
با توجه به این ویژگی ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می دهند؛ مثلاً وقتی دانش آموزی در کلاس، دستش را بالا می آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف دار انجام می دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد.



■ انسان ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت و گو کنید

- بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معنای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید. **سلام کردن - خدا حافظی کردن - کارناوال شادی**
- یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان را بیابید و درباره معنای آن گفت و گو کنید. **شب یلدا : رفتن به خانه بزرگترها**

عوض شدن هوای کلاس، بعد از باز کردن پنجره، کنش است. خرداد 99
(الف) پیامد غیر ارادی (ب) ویژگی آگاهانه بودن (ج) پیامد ارادی (د) ویژگی معنادار بودن

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش آموزی درمی زند و اجازه ورود می خواهد. کنش او چه تغییری در کلاس ایجاد می کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می توانید این پیامدها را دسته بندی کنید؟ به نظر شما، شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

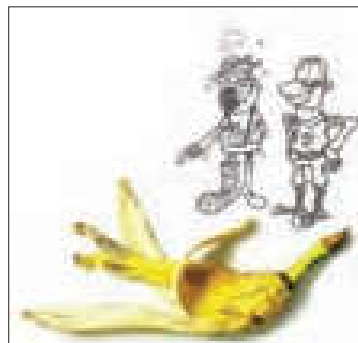
پیامدهای ارادی کنش را تعریف کنید

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی اند؟ برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان ها، یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر، وابسته اند. به همین سبب به آنها «پیامدهای ارادی» می گویند. این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود او و دومی به اراده دیگری وابسته است.

فردی سلام می کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامد ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است. پیامدهای غیر ارادی کنش را توضیح دهید. اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده انسان ها بستگی ندارند. به این پیامدها «پیامدهای غیر ارادی» می گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش اند.

وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود.^۱



پیامدهای کنش

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقرب و نزدیکی به خداوند متعال. (امام رضا علیه السلام)

پیامدهای **غیرارادی** کنش **قطعی** هستند؛ یعنی **حتماً** انجام می‌شوند ولی پیامدهای **ارادی** کنش **احتمالی** اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می‌شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی‌گیرند.

انسان ها به چه دلیل ممکن است از انجام برخی کنش ها خودداری کنند؟ دی 98

معمولاً انسان ها کنش های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان، خودداری می‌کنند.

چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.

بخوانیم و بدانیم

فردی با اصرار از رسول اکرم ﷺ پندی خواست.

پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»

آن فرد پاسخ داد: «بله یا رسول الله!»

پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید، جلب کرد. سپس به او فرمود:

«هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.»

آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز

هم‌اندیشی کنید

- آیه «آدمی در گرو عمل خویش است» (مدثر: ۳۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هریک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
تندرستی	مورد تحسین و تشویق دیگران قرار گرفتن	ورزش حرفه‌ای و ورزشکار حرفه‌ای شدن	ورزش کردن
آسیب و بیماری مشکل تنفسی پیدا کردن	مورد نکوهش و بازخواست دیگران قرار گرفتن مورد بی‌مهری دیگران قرار گرفتن	ترک آن یا معتاد شدن به آن اذیت کردن والدین	سیگار و قلیان کشیدن
افزایش عزت نفس	 خشنودی دیگران	آرامش و موفقیت در محیط شغلی	رعایت حیا
قرب به خدا	الگو شدن برای دیگران	تسلط پیدا کردن بر اعصاب	کنترل خشم

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

کنش،

خلاصه کنید

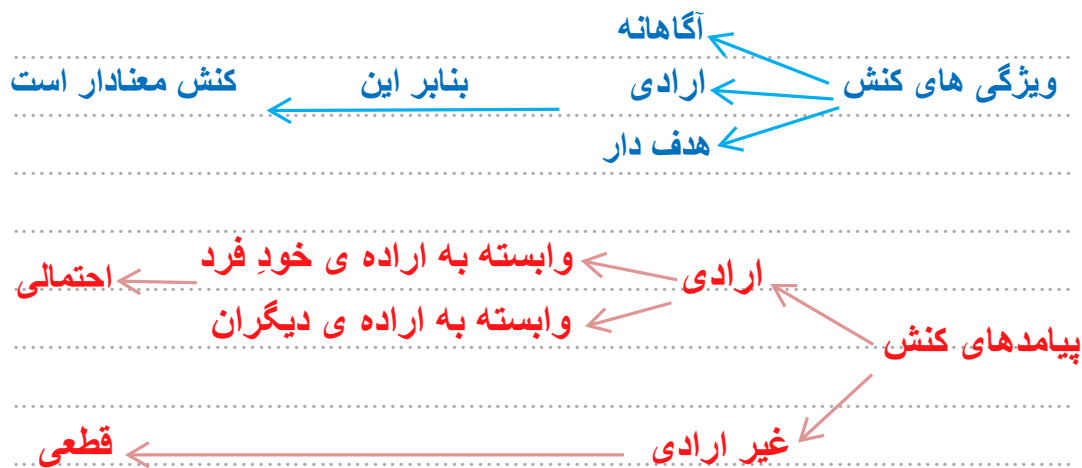
یعنی در این قسمت، مفاهیم اساسی را تعریف کنید یا ارتباط آنها را نشان دهید.

— کنش، معنادار است.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید، با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. نوشته‌هایتان را در کلاس بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و با ذکر نام نویسنده، در کتاب خود بنویسید.



آیا کنش اجتماعی تنها در حضور فیزیکی دیگران انجام می گیرد؟ با مثال توضیح دهید. خرداد 99

کنش اجتماعی را تعریف کنید

انواع کنش را نام ببرید

کنش ها انواعی دارند. برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی اند. کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست.

دی 98

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی گیرد. وقتی راننده ای پشت چراغ قرمز می ایستد، مقرراتی را رعایت می کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می گیرند، کنش اجتماعی اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه ای خروشان را تخیل می کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟ **خیر**



■ برخی کنش ها در حضور دیگران انجام نمی شوند اما اجتماعی اند. در مقابل، برخی کنش ها با اینکه در حضور دیگران انجام می شوند، فردی هستند.

مهم

توضیح: اگر در انجام کنش ها، دیگران را در نظر بگیریم کنش اجتماعی انجام داده ایم. چه آن افراد حضور داشته باشند یا حضور نداشته باشند

مثال: مادر خانواده در خانه، تنهاست و سایر افراد خانواده در منزل نیستند، مادر دارد غذا درست می کند و برای 5 نفر غذا درست می کند. این کنش مادر، کنش اجتماعی است زیرا، مادر در پختن غذا دیگران را هم در نظر گرفته است

مثال: یک راننده در نیمه شب، در حالیکه نه پلیس حضور دارد و نه کسی دیگر، قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت می کند، کنش او، کنش اجتماعی است زیرا در انجام کنش، دیگران را در نظر گرفته است

توضیح: بر عکس، اگر حتی در کنار دیگران باشیم ولی در انجام کنش، آنها را در نظر

نگیریم کنش اجتماعی انجام نداده ایم

مثال: یک دانش آموز در کلاس درس نشسته است ولی حواسش به درس و کلاس

نیست و در ذهن خود به چیزهای دیگر فکر می کند. کنش او اجتماعی نیست

بخوانیم و بدانیم

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای

روزی ابوعلی سینا در خانه اش نشسته بود و یکی از کتاب های افلاطون، دانشمند یونان باستان را با لذت می خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هرچه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می خواند لذت بیشتری می برد و کنجکاو می شد برای خواندن مابقی کتاب بیشتر می شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!

نمونه بیاورید

برای شناخت عمیق تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. منظور از واژه دیگران چیست؟ دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها دست به کنش می زنند، متفاوت اند. در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی

مثال بزنید. ارتباط با غریبه ها ساده است در حد یک سلام و علیک یا سوال کردن از آنها و تعارف غریبه / آشنا ساده در هنگام خوردن چیزی است ولی ارتباط با آشنایان پیچیده تر و گسترده تر است

دوست / دشمن از دشمنان فاصله می گیریم و به دوستان با محبت و صمیمی صحبت می کنیم

گذشتگان / معاصران / آیندگان **فاتحه فرستادن**

مؤمن / کافر / منافق

با این مثال ها، متوجه می شوید؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می گیرد، آداب و قواعد خاصی می خواهد. آیا تاکنون فکر کرده اید که این آداب چگونه شکل می گیرند، چگونه دوام می آورند یا تغییر می کنند؟

می دانید که کنش های ما تنها در ارتباط با دیگران انجام نمی شوند. کنش های ما در ارتباط با خودمان، ¹خلقت ²(طبیعت و ماوراء طبیعت) و ³خداوند متعال نیز صورت می گیرند. اگرچه انواع کنش ها از یکدیگر اثر می پذیرند و بر یکدیگر اثر می گذارند و متناسب می شوند ولی هویت هیچ کدام از دست نمی رود.

(برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می توانید به کتاب مفاتیح الحیاة اثر آیت الله جوادی آملی مراجعه کنید.)



■ افطار کنار مزار شهدا، کنش ناظر به دیگران

توضیح: هر چیزی که انسانها بوجود آورده اند پدیده اجتماعی است

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ به نظر شما، این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

پدیده اجتماعی چیست؟ خرداد 99

چند نمونه از پدیده‌های اجتماعی را نام ببرید

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در اتاق مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

مهم

تعریف هنجار اجتماعی هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛

مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران شیوه‌های معینی دارد.

تعریف ارزش‌های اجتماعی ارزش‌های اجتماعی آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش‌اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند.

شهریور 98 اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند.

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم،
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم،
عفت	حجاب داشته باشیم (حفظ حریم)،
حجاب (حفظ حریم)	پوشش شرعی،
ثروت	

جاخالی

شهریور 99 ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های

اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی»^۱ را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ)^۲ به همین طریق شکل می‌گیرند.



■ عقاید، ارزش‌ها و هنجارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.

چرا پدیده‌های اجتماعی، معنا دار هستند؟ شهریور 99
پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند.

۱- با این پدیده‌ها در درس ۶ بیشتر آشنا می‌شوید.

۲- پدیده‌های اجتماعی را می‌توان براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب می‌توان طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش اجتماعی و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان مانند

* جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرند. * برای پدیده‌های اجتماعی خرد یک مثال بزنید

* دو نمونه از پدیده‌های کلان را نام ببرید

تفاوت پدیده های اجتماعی و پدیده های طبیعی را بنویسید

چرا بعضی مواقع افراد احساس می کنند پدیده های اجتماعی ، همانند پدیده های طبیعی هستند

پدیده های اجتماعی به مرور از انسان هایی که آنها را به وجود آورده اند، مستقل می شوند و فرصت ها و محدودیت هایی را برای کنش ها و زندگی انسان ها ایجاد می کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می کند که افراد احساس می کنند «پدیده های اجتماعی» همانند «پدیده های طبیعی» هستند. در حالی که می دانید پدیده های اجتماعی را انسان ها خلق می کنند و نتیجه کنش های افراد هستند. ولی پدیده های طبیعی را انسان ها خلق نکرده اند.

بخوانیم و بدانیم

انسان ها پدیده های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می آورند. ولی در مواردی خود این پدیده ها اصل قرار می گیرند و به جای اینکه در خدمت سعادت بشر باشند، انسان ها را به خدمت می گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی گاهی خود، جای هدف می نشینند و با شرایط سخت، هزینه های سنگین و حاشیه های فراوانی که به همراه می آورد یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می گردد. شما در مورد سایر پدیده های اجتماعی مانند پول و تکنولوژی تأمل کنید.

مقایسه کنید

کوه پدیده ای طبیعی و ساختمان اداری، پدیده ای اجتماعی است. با مقایسه آنها تفاوت پدیده های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان در پیدایش آن	-	+
معنادار بودن	-	+
محسوس بودن	+	+

مفاهیم اساسی

پدیده اجتماعی،

خلاصه کنید

- به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده اجتماعی می‌گویند.

آنچه از این درس آموختیم



جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)^۱

درس سوم

از جامعه و فرهنگ چه تصویری دارید؟

شما با دو واژه جامعه و فرهنگ آشنا هستید؛ در گفت‌وگوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را با هم به کار می‌برید. به نظر شما بین این دو واژه چه تفاوتی وجود دارد و چه نسبتی باهم دارند؟

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید، به تدریج با شیوه زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه **تعریف جامعه** به تدریج می‌آموزید، فرهنگ است.

تعریف فرهنگ

جهان اجتماعی را تعریف کنید

خیلی مهم

۱- جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزله سخت‌افزار و فرهنگ را به منزله نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

آداب و رسوم عروسی و عزا داری، از مصادیق فرهنگ به شمار می آید. ص شهریور 99

جامعه را تعریف کنید شهریور 95

«جامعه» به گروهی از انسان ها گفته می شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می کنند.

فرهنگ را تعریف کنید

«فرهنگ» شیوه زندگی گروهی از انسان ها است که با یکدیگر زندگی می کنند.

چند نمونه از مصادیق فرهنگ را نام ببرید

خوراکی ها، پوشش ها، گویش ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه های

گذران اوقات فراغت، شیوه های یاددهی و یادگیری، ارزش ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالم

و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می آیند. **در مقایسه بین لایه های فرهنگ، کدام لایه ها از**

اهمیت بیشتری برخوردار است؟ چرا؟ خرداد 99

فرهنگ لایه ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه ها سطحی تر و بیرونی هستند مانند

نمادها و هنجارها. ارزش ها و عقاید لایه های عمیق تر فرهنگ هستند. **لایه های سطحی امکان**

تغییر بیشتری دارند. **لایه های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند** و تأثیرات همه جانبه

و فراگیر دارند و **در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند.** به همین دلیل،

تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند.

لایه های سطحی و عمیق فرهنگ را مقایسه کنید. شهریور 99



بازی ها



آداب و رسوم



خوراکی ها



صنایع دستی

■ آداب و رسوم، بازی های محلی، صنایع دستی و خوراکی ها از مصادیق فرهنگ اند.

خرداد 97

جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه دیده نمی آید. جامعه و فرهنگ را

می توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. **جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان**

و روح است.

در موارد زیر مصادیق "فرهنگ و "جامعه" را مشخص کنید. خرداد 99

(ب) رعایت فاصله گذاری اجتماعی: **فرهنگ**

(د) پوشش زنان ترکمن: **فرهنگ**

(الف) خرید اینترنتی: **فرهنگ**

(ج) مردم شهر یزد: **جامعه**

جامعه و فرهنگ، فقط یک شکل دارد. غ دی 98

چرا فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک می نامند؟ دی 95

فرهنگ چگونه از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد

جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است^۱ و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

در یک جامعه نیز شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نیست.

همه ما ایران را کشور خود می‌دانیم؛ از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را ارج می‌نهیم، ظلم و بی‌عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگ‌ترها را لازم می‌دانیم و انسان‌های فداکار را تحسین می‌کنیم اما همه ما در سراسر کشور با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «فرهنگ عمومی» و **خرداد ۹۷** بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «خرده فرهنگ» نامیده می‌شود. **خرداد ۹۹**



■ بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تمامی اعضای جامعه ما مشترک است ولی مردم مناطق مختلف آداب و رسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

منظور از ضد فرهنگ چیست

خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده فرهنگ، ناسازگار

و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده فرهنگ را «ضد فرهنگ» می‌نامند. **خرداد ۹۹** مثال برای ضد فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ

۱- فرهنگ از طریق وراثت (ژن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

خرده فرهنگ موافق را تعریف کنید

است. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می‌گویند. مثل مثال برای خرده فرهنگ موافق خرده فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.



خرده فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوپاش و کدایان، ضد فرهنگ است.

گفت و گو کنید

- وقتی وارد جامعه‌ای می‌شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می‌برید؟ از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی چند مورد را نام ببرید. **طرز پوشش- وجود مسجد صدای اذان - آداب و رسوم و معاشرت مردم با یکدیگر**
- بادوستان خود درباره ویژگی‌های فرهنگ عمومی ایرانی - اسلامی و خرده فرهنگ‌های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت و گو کنید.

ببینیم و بدانیم

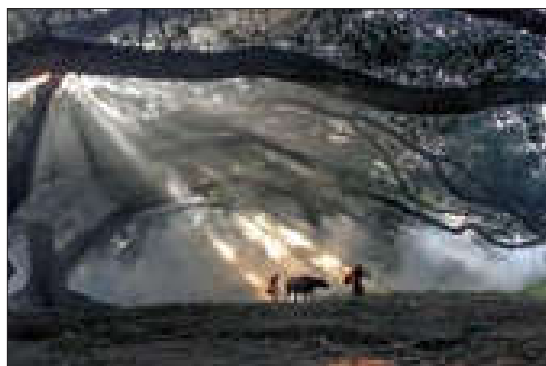
مجموعه مستند «برای مهمانی» آیین‌های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می‌کند. با مشاهده هر قسمت از این مجموعه، با خرده فرهنگ‌های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می‌شوید.

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) چه الزاماتی دارد؟

آموختید که انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن مشارکت می‌کنند، اما آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هر طور که بخواهیم جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگ) را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمد، الزام‌هایی دارد که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد؟ ارزش‌ها و هنجارهای جامعه قبل از ما، توسط گذشتگان بوجود آمده است ولی ما هم می‌توانیم تغییراتی در آن بوجود آوریم

یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

ما انسان‌ها در جامعه و فرهنگی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی **آیا ما در مقابل جهان اجتماعی که توسط گذشتگان ما پدید آمده است، صرفاً کنشگری منفعل هستیم؟ توضیح دهید** ما شکل می‌دهند؛ اما هریک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.



هر جهان اجتماعی تا چه زمانی می‌تواند پا بر جا بماند؟ و یا آیا با تغییر جهان اجتماعی، پیامدها و الزامات آن هم تغییر می‌کند؟ (تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز

باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییر کند و در پی آن الزام‌ها و پیامدهایش برداشته

شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد که الزام‌ها و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد. فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چه تأثیری در زندگی ما می‌گذارد

الزام‌ها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شوند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کنش‌های ما را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق زندگی ما را متأثر

می‌سازند. منظور از اینکه فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه اند چیست؟

فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند.

به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. **اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد.**

قوانین راهنمایی و رانندگی چه فرصت‌ها و چه محدودیت‌هایی برای ما ایجاد می‌کند؟

قوانین راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این

محدودیت ← مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد ولی با وجود این محدودیت‌ها، **فرصت** ← عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. **فرصت‌ها و محدودیت‌های زبان را بنویسید** مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. **محدودیت**

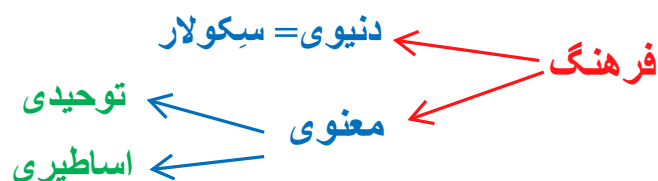
محدودیت آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، **فرصت** ارتباط با هم‌زبانان و **فرصت** مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

خیلی مهم برخی از جوامع براساس عقاید و ارزش‌هایشان استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود

خیلی مهم انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگرای خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

فرهنگ‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌شوند: **ویژگی‌های فرهنگ دنیوی (فرهنگ سکولار) را بنویسید**

- به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید 1 و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در 2 محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. فرهنگ دنیوی 3 همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های 4 معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سیار.



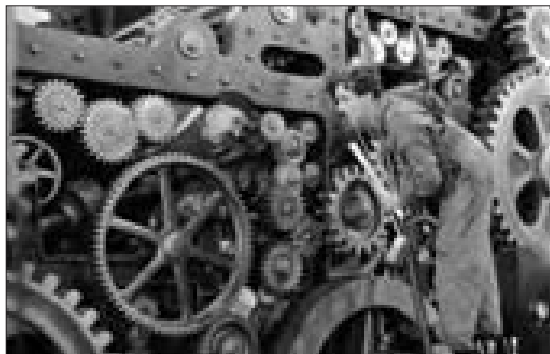
ویژگی های فرهنگ معنوی را بنویسید

- 1 ● فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدّس و متعالی می گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، 3
چهره های آسمانی و ملکوتی پیدامی کند.

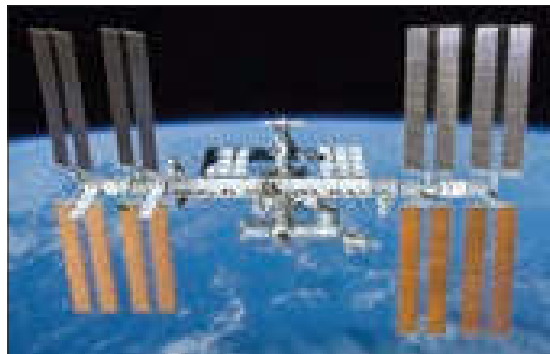
مثال

فرهنگ معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می دهند، فرهنگ توحیدی است، اما فرهنگ اساطیری، به خداوندگاران و قدرت های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

فرهنگ جدید غرب^۱ فرهنگی دنیوی است. در این فرهنگ آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی دارند و دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می کنند.



فیلم سینمایی «عصر جدید» ناامیدی مردم از وضعیت اقتصادی در دوره رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در روزمرگی های دنیای مدرن را به تصویر می کشد.



ایستگاه فضایی بین المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرصت های فرهنگ غرب است.

گفت و گو کنید

با راهنمایی دبیر خود، درباره دو فرهنگ متفاوت و فرصت ها و محدودیت هایی که برای بشریت به همراه داشته اند، گفت و گو کنید.

۱- فرهنگ دنیوی غرب را جهان متجدد یا جهان مدرن نیز می نامند و منظور از آن، غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر می باشد.

فرهنگ دنیوی غرب = جهان متجدد = جهان مدرن = غرب بعد از رنسانس = غرب چهار صد سال اخیر

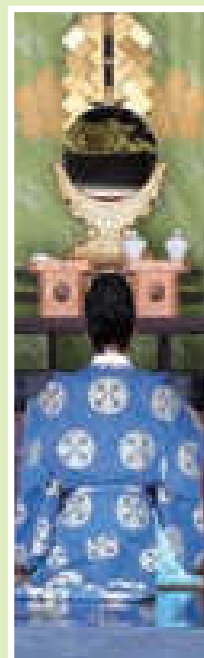
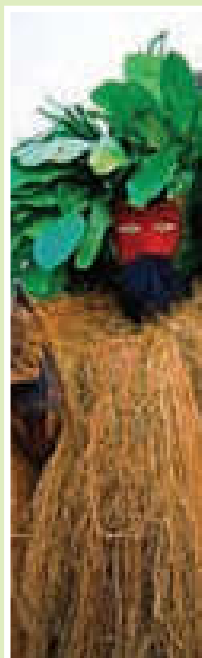
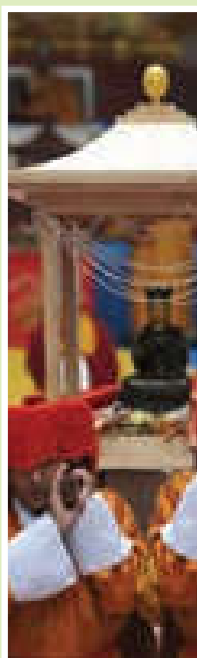
مفاهیم اساسی

فرهنگ،

خلاصه کنید

— فرهنگ، روح و جان یک جامعه است.

آنچه از این درس آموختیم



درس چهارم ارزیابی فرهنگ‌ها

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و...

وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟ **خیر**

مرز و محدوده ی فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر چه اساس تغییر می کند؟ توضیح دهید

شهریور ۹۹

فرهنگ آرمانی را تعریف کنید. شهریور ۹۷

انسان ها اغلب خدمت به هموعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت داری را خوب و پسندیده می دانند و خیانت، دروغ گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می دانند، عمل می کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش ها و هنجارهایی است که از آنها طرف داری می کنند؟

ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در

عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی»^۱ نامیده می شود. **آن بخش از فرهنگ**

که مردم به آن عمل می کنند، «فرهنگ واقعی» نام دارد.

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می کند. هر اندازه مردم

مطابق آرمان ها و ارزش ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان ها وارد فرهنگ واقعی می شوند اما

اگر مردم به آرمان ها و ارزش هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می شود عمل

نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد. **در چه صورتی فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می گیرد**



■ محل شهادت شهید رسول حیدری اولین شهید
ایرانی در بوسنی و هرزگوین سال ۷۲



■ شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان
مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و همزمانش جلوی
مسجد جامع خرمشهر

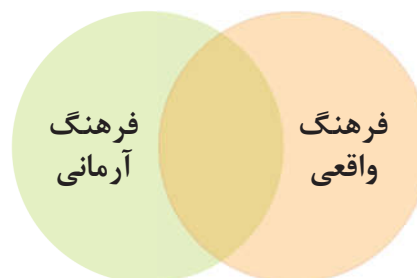
وظیفه برنامه ریزان فرهنگی چیست؟

برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می کنند که

از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر

فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی

را فراهم کنند.



۱- آرمان ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار فرهنگ است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می کنند و برخی هم آن را مراعات نمی کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند.

این افراد ممکن است از آرمان ها و ارزش ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می کند: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگوئید که به آن عمل نمی کنید. خداوند کسانی را دوست می دارد که در صفی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می کنند» (صف: ۳ و ۴).

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته اند.

آرمان ها	
بیرون از فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ساده زیستی	احترام به پدر و مادر
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
.....	

مهم

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت های هر جامعه را می توان بر اساس آرمان های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان های خود عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می دهند. ولی آیا همه آرمان ها و ارزش ها درست اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان ها و ارزش ها وجود دارد؟ آیا آرمان ها و ارزش ها همواره حق اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟ **بله** **خیر**

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش هایی که محترم می شمارند، هنجارها و سنت هایی که با توجه به آنها عمل می کنند، سبک ها و شیوه هایی که برای زندگی انتخاب می کنند و تکنیک ها و مهارت هایی که به کار می گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست اند.

تفاوت فرهنگ حق و فرهنگ باطل را بنویسید. شهریور 99

فرهنگ حق را تعریف کنید. شهریور 97 خرداد 99

بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، «فرهنگ باطل» است. فرهنگ باطل را تعریف کنید. خرداد 96



■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد که هر سال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.

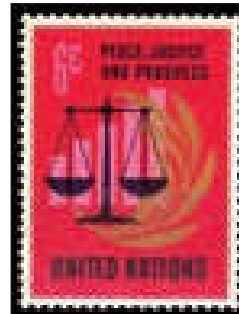
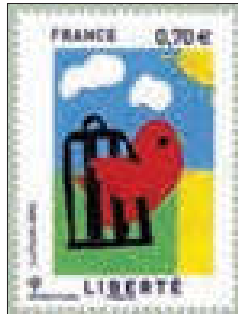


■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

چند مورد از ارزش‌های فرهنگ حق را نام ببرید. شهریور 96

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. چند مورد از ارزش‌های فرهنگ باطل را نام ببرید. شهریور 96

شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟



کدام علوم می توانند در باره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند؟

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ چگونه شناخته می شود؟

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود.

علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن

شیوه مداوای بیماران را با روش های تجربی می توان شناخت. **دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها**

را نام ببرید شهریور 99

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها را نمی توان با روش ها و علوم تجربی شناخت. عقل و وحی

دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می گیرند،

می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند.

در جهان هستی موجودات و پدیده های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش های مناسب خود شناخته می شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده های طبیعی را از راه مشاهده و حس می شناسد، اما امور غیر طبیعی، محسوس نیستند و نمی توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد؛ از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت نسبت به دیگران پی می بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می کند.

علوم اجتماعی همواره از **حس، عقل و وحی** برای شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی بهره می برد. تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی معنا دارند و از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این رو این علوم وقتی از آغاز و انجام زندگی انسان با ارزش ها و آرمان های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادی و... سخن می گویند، از روش های عقلانی و وحیانی بهره می برند.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده ای در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیر علمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش های متعددی مواجه شد و کم کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از چالش ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می دانیم نه آنچه علم ریاضی می گوید؛ مثلاً هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطا می دانیم.

خیلی مهم مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی

فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
- شناخت طبیعت و قوانین آن - پیش بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت - رهاسازی انسان از محدودیت های طبیعت	- شناخت و فهم معانی کنش های آدمیان و پیامدهای آن - شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش های او تأثیر دارند یا پیش بینی کنش ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری - شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش های خوب و بد انسان ها - انتقاد از کنش های ناپسند و ظالمانه انسان ها - رها کردن و آزادسازی انسان ها از ظلم ها و اسارت هایی که در اثر کنش های انسان ها پدید می آید. - نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش های ابزاری

علوم تجربی

از طریق

امور طبیعی

راه های شناخت

عقل

امور فرا طبیعی

وحی

* راه های شناخت سه تاست: علوم تجربی - عقل - وحی

* فرهنگ هایی که فقط به علوم تجربی عقیده دارند، نمی توانند در مورد بعضی از امور نظر بدهند. مثلاً در مورد وجود جهان دیگر و فرشته ها نمی توانند نظر بدهند

بخوانیم و بدانیم

غربی ها در مراسم تشییع جنازه نزدیکانشان اشک نمی ریزند؛ اندوه خود را پنهان می کنند و اگر گریه شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می کنند اما مراسم را باشکوه برگزار می کنند. مرده را در تابوتی گران بها می گذارند، لباس های رسمی به او می پوشانند و دفنش می کنند. برعکس، ایرانی ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی کنند و مرده را بدون لباس های فاخر به خاک می سپارند.

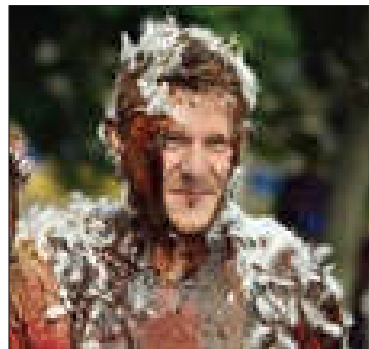
غربی ها خیلی سرد و بی احساس اند یا ایرانی ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می کنیم. جامعه شناسان این کار را اشتباه می دانند. به نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی ها سرد و بی احساس اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی کنند یا آنها بگویند که ایرانی ها ضعیف و احساساتی اند چون بسیار برای مردگان خود می گریند، هیچ کدام قضاوت های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ ها و داوری علمی و عقلانی درباره آنها وجود ندارد. ما می توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم. برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به عنوان یک فرد بیرونی می توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه ای باشد، ما می توانیم درباره نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه ای عدالت را از یاد برده و به بی عدالتی عادت کرده باشد، می توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و....

فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ ها است.

خیلی مهم



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه ها و مکان های عمومی با پیکره ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزئین می شود.



■ سیاه کردن عروس و داماد پیش از عروسی در روستاهای اسکاتلند اجرا می شود. در این رسم بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها بتوان عروس و داماد را کثیف کرد به طرفشان پرتاب می کنند.

برخی حق یا باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ **خیر** آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ **خیر** می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ **خرداد 92** حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل، و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادپرستی و **برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، یول پرستی** و **شرک** از عقاید و ارزش‌های **باطل اند** و باطل بودن آنها با نوع مواجهه جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ جوانان سیاه‌پوست به طور متوسط بیش از همسالان سفیدپوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس‌وجو قرار می‌گیرند.



■ دیوار حائل بتونی در کرانه باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

چهار مورد از عقاید و ارزش های حق که درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند را نام ببرید

1 توحید، آزادی انسان ها از همهٔ بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان ها، از عقاید و ارزش های حق اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش ها، آنها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی دارند.

بنابراین، حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی کنند.

نمونه بیاورید

● سه نمونه از آرمان های حق را که در اغلب یا همهٔ فرهنگ ها حضور دارند، نام ببرید. به نظر شما به چه دلیل این آرمان ها در اکثر فرهنگ ها حضور دارند؟

شهریور 95
دی 96

آرمان حق				
وفای به عهد	راست گویی	دفاع از حق	حمایت از مستضعفان	

شهریور 96

● آیا می توانید برخی پدیده های باطلی را که در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی فرهنگ ها وجود دارد، شناسایی کنید؟

تکاثف (مال اندوزی)	قبیله گرایی		
--------------------	-------------	-------	-------

شهریور 96

* حقایق ثابت هستند

عقاید و ارزش های حق همیشه حق هستند و با نظر مردم تغییر نمی کنند

عقاید و ارزش های باطل همیشه باطل هستند و با نظر مردم تغییر نمی کنند

ولی برای جوامع، این امکان وجود دارد که طبق آیین حق، رفتار کنند و یا طبق آیین باطل رفتار کنند یا یک زمانی، طبق آیین حق رفتار کنند و یک زمان دیگر طبق آیین باطل

مفاهیم اساسی

فرهنگ حق،

خلاصه کنید

فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌هاست.

آنچه از این درس آموختیم



درس پنجم هویت

در مورد هویت چه می‌دانید؟

نقل است که ملانصرالدین می‌خواست به شهر غربی سفر کند. همسر ملا پیش از سفر، آویزی بر گردنش آویخت که نامش بر آن نوشته شده بود تا مبادا هویتش را فراموش کند. ملا پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود، شوخی، آویز را از گردنش درآورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملا پس از دیدن آویز در گردن آن شوخ فریاد زد: «چنین می‌نماید که تو من هستی. ولی اگر تو من هستی، پس من کیستم؟»

شاید این سردرگمی ملا مسخره به نظر آید ولی بر **مهم‌ترین مسئله بشری** اشاره می‌کند که **همان هویت** است.

(فرهنگ و هویت، چارلز لندولم)

خصوصیاتی که افراد در پدید آمدن آنها اثر گذار هستند، چه نامیده می شوند؟ **دی 90 اکتسابی**

ویژگی های هویتی اکتسابی و انتسابی را با مثال مقایسه کنید. شهریور 99

افراد در موقعیت های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند یا از خودشان می پرسند به راستی «من کیستم؟». آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می کنند و ممکن است در معرفی خود به ویژگی هایی از این قبیل اشاره کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۸۱، مؤمن، گندمگون، ورزشکار، وقت شناس، صبور، راستگو، ایرانی و.... **هویت را تعریف کنید**

آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می گردد، «هویت» فرد را تشکیل می دهد.

ویژگی های انتسابی را تعریف کنید

آیا هویتمان را خودمان می سازیم؟ ما در شکل گیری بعضی ویژگی های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم (انتسابی)؛ اما بسیاری از ویژگی های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می دهیم یا در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (اکتسابی). بعضی ویژگی ها هستند که در به دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می شود و ما در طول زندگی، می توانیم آن را تغییر دهیم.

سوال آیا هویتمان تغییر می کند؟ ¹ برخی از ویژگی های هویتی تغییر می کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست. ² ولی برخی ویژگی ها تغییر نمی کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی سوادی، کم سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می گذرد؛ ولی خود می داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

افراد چگونه می توانند هویت اجتماعی کسب کنند؟

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه های اجتماعی نمی تواند برخی ویژگی ها را داشته باشد؛ مثلاً ما فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می شویم؛ در حالی که زرنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی های فردی ما هستند.

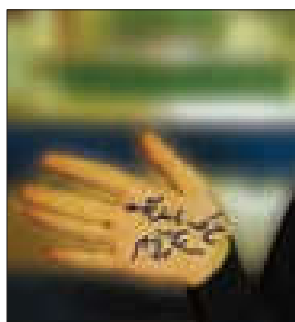
بخوانیم و بدانیم

گفته اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).
و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(کشف الاسرار و عدة الابرار، رشیدالدین میبدی)



■ هویت فردی



■ هویت اجتماعی

نمونه بیاورید

در جدول زیر چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

ویژگی های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
راستگو	✓		✓			✓
موقعیت اجتماعی	*			*		*
دانش آموز بودن	*			*		*
سفید پوست بودن		*	*		*	
گروه خونی		*	*		*	

دی 97

شهریور 97 خرداد 99

شهریور 97

خرداد 99

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

- 1- بُعد جسمانی (بدن)
- 2- بُعد نفسانی (نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی)
- 3- بُعد اجتماعی (نقش ها و عضویت فرد در جامعه).

آیا می توانید برای هر کدام از این ابعاد، نمونه بیاورید؟ آیا میان این سه بُعد ارتباطی وجود دارد؟



با توجه به متن، تصویری مناسب با این قسمت تهیه نمایید.



■ زهرا نعمتی، دارنده مدال طلا در مسابقات جهانی پارالمپیک و نخستین زن ورزشکار ایرانی که موفق شد در کنار ورزشکاران سالم، جواز رقابت در المپیک را نیز کسب کند.

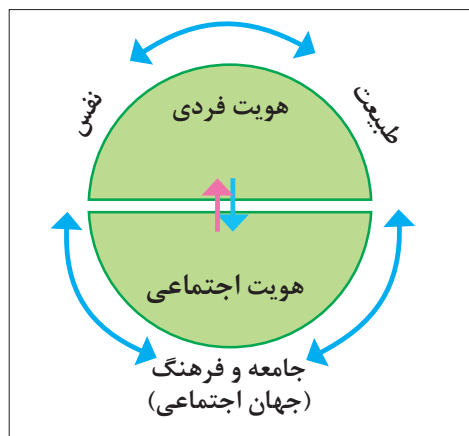
مجرای ارتباط ما با جهان طبیعی چیست؟ بدن ما سه بُعد هویت انسان، از یکدیگر جدا هستند. غ دی 97

سه بُعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می گذارند؛ بدن ما مجرای ارتباط ما با طبیعت و بخشی از آن محسوب می شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می آید.

آیا می توانید بگویید هر کدام از مثال های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه هاست؟

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان ها می شود. **تاثیر بعد جسمانی بر بعد نفسانی**
- برخی بیماری های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می شوند. **تاثیر بعد نفسانی بر بعد جسمانی**
- یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می دهد. (امام خمینی قدس سره) **تاثیر بعد نفسانی بر بعد اجتماعی**
- جوان مؤمن امیدوار پر تلاش پُرانگیزه دانش دوست، موفق خواهد شد. **تاثیر بعد نفسانی بر بعد اجتماعی**
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی های صحرانشینان است.^۲
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می شود. **تاثیر بعد اجتماعی بر بعد نفسانی**

شهریور 99
خرداد 99



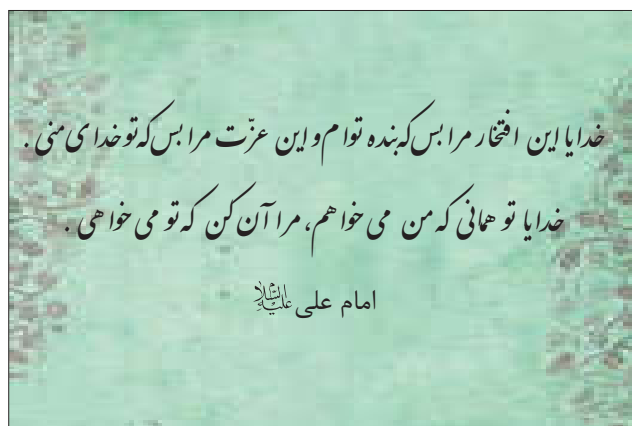
تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی ما چگونه با یکدیگر سازگار می شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

۱- در هر کاری که اراده آدمی برای انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی شود. (امام صادق علیه السلام)

۲- ابن خلدون در کتاب «مقدمه»، در بیان تفاوت میان شهرنشینان و بادیه نشینان، چنین صفاتی را برای صحرانشینان برشمرده است.

شهریور 99 هویت هر جامعه‌ای، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند. بنابراین، هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبيله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبيله مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می‌کند.

خرداد 98
شهریور 98
دی 98



فرهنگ متجدد با کدام ویژگی‌های اخلاقی و روانی سازگار است؟

فرهنگ متجدد با کدام ویژگی‌های اخلاقی و روانی سازگار نیست؟

هر جامعه‌ای با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، فرهنگ متجدد با بعضی ویژگی‌های اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، فرصت‌طلبی، انضباط، تجمل‌گرایی، تَبَرُّج، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشند، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست.

هر جامعه‌ای براساس **هویت خود**، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده حکیمانه الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

جاخالی
خرداد 99
شهریور 99

نگاه فرهنگ جدید غرب به طبیعت و بدن انسان چگونه است؟

فرهنگ اسلام چه نگاهی به طبیعت و بدن انسان دارد؟



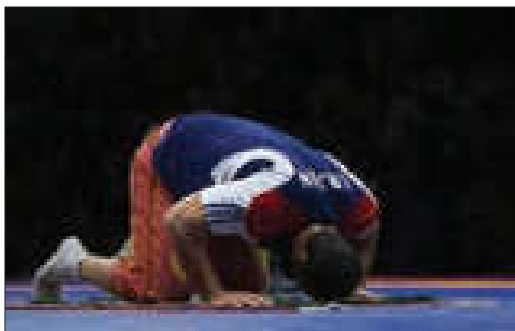
■ برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند.



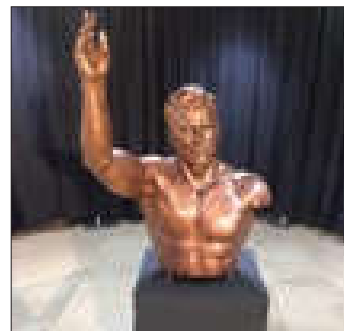
■ مسابقات سالانه «مسترالمپیا» یکی از مهم‌ترین مسابقات نمایشی است که با فیگور گرفتن روی استیج (صحنه نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکردی اساطیری شکل گرفت که زیبایی، تناسب و پرورش یافتگی و بدن عاملی برای ستایش و تمجید قلمداد می‌شد.

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران فرهنگ اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران فرهنگ متجدد (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.



■ پهن کردن سجاده بر روی تشک کشتی و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی قهرمانی است.



■ تندیس نیم‌تنه غلامرضا تختی در موزه «اساما» امریکا که در آن تختی با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزه جوانمردانه او باشد. وقتی تختی متوجه شد پای مدوید آسیب‌دیده، هرگز به سمت پای مصدوم حریف نرفت.

ببینیم و بدانیم



مجموعه مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه با عنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

خود آگاهی یا ناخود آگاهی؟



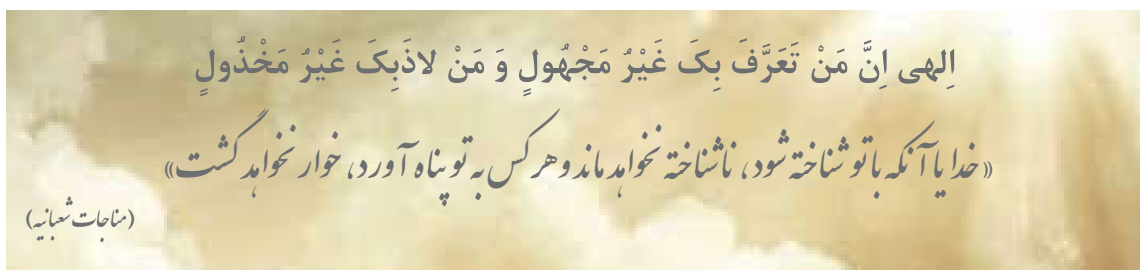
گفت چون سقراط در نزع اوفتاد
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز
(عطار)

به نظر شما افراد و گروه‌ها چقدر خود را می‌شناسند؟ شما چقدر خود را می‌شناسید؟ برای شناخت بیشتر و بهتر خود چه راه‌هایی وجود دارد؟

تفاوت هویت آگاهانه و ناآگاهانه را بنویسید

علت تامل انسان ها در مورد ویژگی های هویتی خود چیست؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند اما بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب، گاهی دربارهٔ ویژگی‌های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان دربارهٔ ضعف‌ها و قوت‌هایمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز دربارهٔ ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای دربارهٔ هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند. پیامبران و اولیای الهی در باره کدام ابعاد هویت انسان سخن گفته‌اند؟ پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز دربارهٔ بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته‌اند.



وجود نظرات متفاوت در باره ی هویت، نشانه ی چیست؟ شهریور 99

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می شویم. وجود نظرات متفاوت درباره ی هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

مباحثه کنید

با توجه به مباحث گفته شده درباره تعامل و تناسب ابعاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده های زیر را تشریح کنید.

- رواج شدید عمل های زیبایی در ایران؛ آیا تمامی عمل های زیبایی برخلاف ارزش ها و هنجارهای دینی جامعه ایران است؟ آیا عمل ها، بسط ارزش ها و هنجارهای فرهنگ غرب نیست؟
- رواج ارزش های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل گرایی، مال اندوزی و ... در کشورهای اسلامی
- آسیب ها و مسائل زیست محیطی تولید شده به وسیله مردم و سازمان های عمومی و دولتی در ایران
- خروج آمریکا از پیمان پاریس (کاستن از انتشار گازهای گلخانه ای)
- حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان
- حمایت همه جانبه دولت های غربی و برخی از دولت های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس
- وقوع جنبش های زیست محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت گیرانه در دفاع از محیط زیست و پدید آمدن تکنولوژی های سبز و صدور کارخانه ها و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع

ویژگی انتسابی، ویژگی هایی هستند که ما در شکل گیری آنها نقشی نداریم
مثال دختر یا پسر بودن - اهل خوی بودن

ویژگی های اکتسابی ویژگی هایی هستند که خودمان در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم مثال مهندس بودن دانش آموز بودن

آیا هویت ما تغییر می کند؟ بله بعضی ویژگی های هویتی ما تغییر می کند و بعضی ها امکان تغییر ندارد

ویژگی های اجتماعی: ویژگی هایی هستند که بدون حضور در گروه های اجتماعی و بدون ارتباط با دیگران، نمی توانیم آن ویژگی ها را داشته باشیم
مثلا: ایرانی بودن - دانش آموز بودن

هویت دو بخش دارد آگاهانه - ناآگاهانه

انسان هر چقدر هم فکر کند خودش را خوب می شناسد ولی بعدها متوجه می شود که خودش را کامل نمی شناخته است